

خط قرمز پکن در جنگ با آمریکا

## آیا نفت ایران قربانی معامله بزرگ می‌شود؟

در میانه تشدید جنگ تعرفه‌ای میان دونالد ترامپ و شی جین‌پینگ، این پرسش جدی‌تر شده است که آیا پکن در یک معامله بزرگ با واشنگتن، از تجارت انرژی با تهران عقب‌نشینی خواهد کرد؟ بررسی داده‌های تجاری و ملاحظات ژئوپولیتیک نشان می‌دهد نفت ایران برای چین تنها یک «عدد» در تراز تجاری نیست، بلکه بخشی از معادله امنیت انرژی و رقابت راهبردی با آمریکا است.

پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا طی ماه‌های اخیر رفتاری نوسانی و مارپیچی داشته است؛ افزایش‌های ناگهانی تا سطوحی بیش از ۱۰۰ درصد، عقب‌نشینی‌های مقطعی و اعمال استثنای هدفمند در حوزه‌های حساس. در این میان، بخش‌هایی مانند زنجیره تأمین موبایل و لپ‌تاپ، پل‌های خورشیدی، مواد معدنی کمیاب و مواد اولیه دارویی عملاً از فشار کامل تعرفه‌ای مستثنی شده‌اند؛ حوزه‌هایی که سهم بالایی از آنها در اختیار چین است و حذف ناگهانی‌شان از بازار آمریکا تبعات اقتصادی و اجتماعی سنگینی به همراه دارد. برآورد برخی مقامات پیشین اقتصادی آمریکا نشان می‌دهد تداوم تعرفه‌های گسترده می‌تواند سالانه چند هزار دلار به هزینه هر خانوار آمریکایی اضافه کند؛ عاملی که خود به محدودکننده سیاست‌های افراطی تبدیل می‌شود.

تجارت ایران؛ تمرکز بر چهار شریک اصلی

ساختار تجارت خارجی ایران تنوع گسترده‌ای ندارد و بخش عمده آن در چهار شریک اصلی متمرکز شده است: چین، امارات، عراق و ترکیه. چین مهم‌ترین شریک تجاری ایران است. برآوردهای رسمی از مبادلات حدود ۳۵ میلیارد دلاری حکایت دارد، اما با احتساب صادرات انرژی و برخی مسیرهای غیرمستقیم، برخی تحلیل‌ها رقم ۶۰ تا ۷۰ میلیارد دلار را واقع‌بینانه‌تر می‌دانند. پس از چین، امارات با حدود ۳۰ میلیارد دلار قرار دارد که نقش هاب تجاری و ری‌اکسپورت را ایفا می‌کند. عراق و ترکیه نیز هر یک سهم مهمی در صادرات غیرنفتی ایران دارند، اما وزن آنها در مقایسه با چین کمتر است.

آیا ایران برای چین «عدد کوچکی» است؟

یکی از تحلیل‌های رایج این است که تجارت چین با ایران در برابر تجارت این کشور با آمریکا ناچیز است و در صورت انتخاب، پکن واشنگتن را ترجیح می‌دهد. این گزاره در ظاهر منطقی به نظر می‌رسد، اما تحولات اخیر تصویر را تغییر داده است. حجم تجارت چین و آمریکا که پیش‌تر حدود ۶۰۰ میلیارد دلار بود، در پی جنگ تعرفه‌ای به حدود ۴۰۰ میلیارد دلار کاهش یافته است. در این شرایط، تجارت ۶۰ تا ۷۰ میلیارد دلاری با ایران دیگر آن فاصله نجومی سابق را ندارد. اگرچه کفه ترازو همچنان به نفع آمریکا است، اما نسبت‌ها تغییر کرده‌اند و تصمیم‌گیری برای حذف کامل ایران، صرفاً یک محاسبه ساده حسابداری نیست.

مزیت‌های ساختاری چین در برابر فشار آمریکا

چین طی سال‌های اخیر بازارهای صادراتی خود را متنوع کرده است. حجم تجارت این کشور با بلوک آسه‌آن اکنون از تجارتش با آمریکا پیشی گرفته و روابط با اروپا و سایر اقتصادها نیز تقویت شده است. از نظر تولید، چین در چند حوزه مزیت‌های کلیدی دارد:

سهم بالا در زنجیره تأمین الکترونیک  
تسلط بر مواد معدنی کمیاب  
نقش مهم در مواد اولیه دارویی  
زنجیره تولید یکپارچه و کم‌هزینه

حتی صادرات ۴۰۰ میلیارد دلاری به آمریکا نیز سهم محدودی از تولید ناخالص داخلی چین را تشکیل می‌دهد. پکن همزمان با تقویت صادرات، بر تحریک مصرف داخلی نیز تمرکز کرده است تا آسیب‌پذیری خود را کاهش دهد.

هسته سخت منافع چین؛ امنیت انرژی

با این حال، مهم‌ترین متغیر در رفتار چین امنیت انرژی است. کشوری با جمعیتی حدود ۱.۵ میلیارد نفر نمی‌تواند انرژی را به اهرم فشار رقیب راهبردی خود تبدیل کند. برآورد می‌شود حدود ۱۵ درصد از نفت وارداتی چین از ایران تأمین شود. جایگزینی این حجم در شرایطی که واردات از روسیه و ونزوئلا نیز با محدودیت‌هایی مواجه است، کار ساده‌ای نیست. اگر پکن همزمان واردات از ایران، روسیه و ونزوئلا را کاهش دهد، ناچار به افزایش وابستگی به کشورهای مانند عراق، عربستان، قطر یا کویت خواهد شد؛ کشورهایی که روابط نزدیکی با آمریکا دارند و این موضوع می‌تواند به اهرم فشار سیاسی بدل شود. از منظر راهبردی، چین تمایلی ندارد سید انرژی خود را به گونه‌ای تنظیم کند که با یک تصمیم در واشنگتن دچار اختلال شود. این همان «هسته سرد منافع راهبردی» است که در محاسبات پکن وزن بالایی دارد.

تنش میان چین و آمریکا صرفاً اختلافی تجاری نیست؛ رقابتی است بر سر جایگاه نخست در نظام بین‌الملل. از دوره باراک اوباما با سیاست «چرخش به آسیا» تا تشدید تقابل اقتصادی در دوره ترامپ، واشنگتن چین را رقیب اصلی خود تعریف کرده است. مسائلی مانند تایوان، فناوری‌های پیشرفته، امنیت سایبری و زنجیره‌های تأمین، ابعاد مختلف این رقابت‌اند. در چنین چارچوبی، بعید است پکن با یک توافق مقطعی، منافع انرژی خود را قربانی کند. چین همزمان با فشارهای غرب، تقویت ساختارهای غیرغربی را نیز دنبال کرده و حضور فعال در ائتلاف‌هایی چون BRICS و سازمان همکاری شانگهای را بخشی از راهبرد بلندمدت خود قرار داده است.

سایر شرکای ایران؛ ظرفیت مقاومت چقدر است؟

امارات: نقش کلیدی در ری‌اکسپورت و لجستیک تجارت ایران دارد. هرگونه اختلال در این هاب مالی می‌تواند پیامدهای غیرمستقیم مهمی ایجاد کند، حتی اگر صادرات مستقیم محدود باشد.

عراق: بازار مهم صادرات غیرنفتی ایران، به‌ویژه در حوزه برق و کالاهای مصرفی. وابستگی متقابل انرژی تصمیم‌گیری بغداد را پیچیده می‌کند.

ترکیه: با وجود عضویت در ناتو، طی سال‌های اخیر سیاست خارجی مستقلی دنبال کرده است. حجم تجارت دو کشور قابل توجه است، اما تراز تجاری بیشتر به نفع ترکیه است.

## جمع‌بندی

تحلیل رفتار چین در قبال فشارهای تعرفه‌ای آمریکا را نمی‌توان به مقایسه چند عدد تقلیل داد. برای پکن، نفت ایران بخشی از معادله امنیت انرژی، تنوع‌بخشی به منابع و کاهش آسیب‌پذیری در برابر رقیب راهبردی است. این به معنای هم‌پیمانی ایدئولوژیک با تهران نیست، بلکه بیانگر محاسبه‌ای واقع‌گرایانه در یک رقابت عمیق جهانی است. در چنین شرایطی، سرعت تصمیم‌گیری اقتصادی، اصلاح ساختارهای داخلی و تقویت دیپلماسی انرژی برای ایران اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند؛ چرا که در نظم امنیتی&ndash;اقتصادی جدید، تعلل می‌تواند پرهزینه‌ترین انتخاب باشد.